

## افادات ادبی

س - آیا عرق شراب در اشعار شعرای قدیم و جدید استعمال شده است یا نه؟ و اگر استعمال شده مثالی برای آن ذکر کنید،

ج - عرق شراب را در فارسی **تاهو** گویند و این معنی چه در استعمال شعرای قدیم و چه در اشعار شعرای متاخر بسیار ذکر شده است اینک برای مثال دو شعر که یکی از قدما و دیگری از متاخرین است ذیلا ایراد میکنند:

### مثال اول از شعر امیر خسرو دهلوی

چشمه خورشید را در ته نشاند      عکس ساقی کز ته **تاهو** نمود  
مثال دوم از اشعار متاخرین با مراعات صنعت تجنیس تام:

چو دیدم رویش از تاب عرق عرق عرق گفتم      تو پنداری که بر برک گلی افشاند  
س - مقصود خواجه از این شعر معروف خود چیست که می‌آوید،

اگر گهی بزبانم حدیث توبه رود      ز بی طهارتی آن را بمی‌غراره کنم؟  
ج - ظاهراً بطوء انتقال بمعنی شعر ناشی از متذکر نبودن معنی **غراره** است و در صورتیکه بخاطر بیاورید که **غراره** در فارسی بمعنی شستن دهن و مرادف با مضمضه (مزمره) عربی است اشکال در معنی شعر باقی نماند.

س - آیا تبدیل الف بو او بطوری که امروز در محاورات اهالی مرکز و بعضی از ولایات ایران شایع است در استعمال فحاحا سابقه دارد یا نه؟  
و در صورت دوم این شعر عبدالقادر را بچه حمل می‌کنید که می‌گوید:  
انکه مدح شاه خواند از دهون      از دهانش بوی مشک آید برون  
آیا غلطی از کاتب است یا محمل دیگر دارد؟

ج - این نحو تبدیل در استعمال فصحاء سابقه ندارد دهون بر وزن  
زبون محرف کلمه دهان نیست ! بلکه نسبت دیگر است و معنی آن حفظ داشتن  
و چیز را از بر خواندن است که بعربی ظهر القلب گویند حدیث است :  
قراءة القرآن من الكتاب افضل منه من ظهر القلب

س - کلمه تقوی از چه ماده است و معنی آن چیست ؟

ج - کلمه تقوی از ماده و - ق - ی - است و وقایه و تقاة و و اقی

از مشتقات آنست و این کلمه مصدر ثلاثی است بر وزن فعلی و دعوی و حرف  
واو اول کلمه مطابق قواعد صرف و اعلال تبدیل بنا شده است و معنی آن  
حفظ و نگهداریست و از مزید آن فقط باب افتعال شایع الاستعمال است و  
اتقاء و متقی از مشتقات آنست و فعل امر مخاطب از این باب در قرآن و  
احادیث و السنه و عاظ عرب بسیار آمده است اتقوا الله حق تقاته الخ .

س - اگر بخواهیم بجای کلمه شهریه کلمه فارسی پیدا کنیم و بکار  
ببریم چه کلمه را میتوانیم بیابیم ؟

ج - مهواره بر وزن گهواره بتصریح اهل لغت ماهیانه مقرر است که  
عربی آن مشاخره است ،

س - کلمه شیک در فارسی چه معنی میدهد ؟

ج - شیک مانند دیک در فارسی بمعنی دست و پای شل و بیقوت است  
مرحوم ادیب الممالک در نصاب فارسی خود گوید :

ضعیف خامی و مفلوج شیک و شیشه دان - چهار چوبه دریواس و نردبان  
معراج .